روایت معمر بن خلّاد در بیان آیت‌الله شبیری

ذیل صفحه چهاردهم بودیم.

> **و توصيف الرؤية في بحث الهلال بالطريقية و إن كان حسنا و ابتعادا عن جعل الموضوعية للرؤية المتعارفة، لكن المهمّ هو تشخيص ما جعلت الرؤية طريقا إليه، الذي هو الموضوع حقيقة، فهل هو الفاصلة الخاصّة بين الشمس و القمر، أم هو الهلال عند العرف؟ و لا يتفرّع على طريقية الرؤية عدم إجزاء الرؤية بالتلسكوب إذا كان الموضوع هو الهلال العرفيّ على ما أوضحناه[1]**

«... إذا كان الموضوع هو الهلال العرفيّ»؛ چون فرض این است که هلال عرفی در تلسکوپ دیده می‌شود.

در آخر مباحثه قبل آقا فرمودند در فرمایش حاج آقا [آیت‌الله شبیری زنجانی] آمده بود که چون شبهه موضوعیه هست باید اعاده کنند. ببینید کلام ایشان ناظر به روایت نیست. من کلام ایشان را نگاه کردم. روایت معمر بن خلاد را نقل می‌کنند –البته مدتی قبل روایت معمر بن خلاد را یکی از آقایان به من دادند. هنوز بحث آن مانده است. ان شاءالله به بحث استصحاب و یوم الشک که برسیم مفصل از آن بحث می‌کنیم- و بعد می‌فرمایند که این روایت هم علیه حرف آقای خوئی است و هم علیه تلسکوپ است. این فرمایش را ایشان دارند. می‌فرمایند:

> **حضرت در اينجا مي‌فرمايد نبايد معامله يوم الشك بنمايي. اين روايت هم نسبت به مسأله ديده شدن در جايي از نيم كره دليل مخالف است و هم در مورد ديده شدن با وسيله[2]**

شاگرد: روایت را بفرمایید.

استاد: از آن بحث می‌کنیم. حضرت فرمودند بیا طعام بخور، عرض کرد که روزه یوم الشک گرفته‌ام. فرمودند اینکه شنیدی روزه یوم الشک را باید گرفت، برای جایی است که هوا صاف نباشد. اما وقتی هوا صاف است دیگر چرا روزه می‌گیری؟!

> **معمر بن خلاد عن أبي الحسن ع قال: كنت جالسا عنده- آخر يوم من شعبان فلم أره صائما فأتوه بمائدة فقال ادُنُ و كان ذلك بعد العصر قلت له جعلت فداك صمت اليوم فقال لي: و لم قلت جاء عن أبي عبد الله ع- في اليوم الذي يشك فيه أنه قال يوم وقوق الله له قال أ ليس تدرون أنما ذلك إذا كان لا يعلم أ وه من شعبان- أم من شهر رمضان فصامه الرجل و كان من شهر رمضان كان يوما وقوق الله له فأما و ليس علة و لا شبهة فلا قلت أفطر الآن فقال لا قلت و كذلك في النوافل ليس لي أن أفطر بعد الظهر قال نعم[3]**

«كنت جالسا عنده»؛ امام رضا علیه‌السلام، **«آخر يوم من شعبان فلم أره صائما فأتوه بمائدة فقال ادن و كان ذلك بعد العصر قلت له جعلت فداك صمت اليوم فقال لي و لم قلت جاء عن أبي عبد الله ع- في اليوم الذي يشك فيه أنه قال»؛** امام فرمودند، **«يوم وقوق الله له قال أ ليس تدرون أنما ذلك إذا كان لا يعلم أ وه من شعبان- أم من شهر رمضان فصامه الرجل و كان من شهر رمضان كان يوما وقوق الله له فأما و ليس علة و لا شبهة فلا»؛** آن روایت دیگر شامل اینجا نمی‌شود. **«قلت أفطر الآن فقال لا قلت و كذلك في النوافل ليس لي أن أفطر بعد الظهر قال نعم».** این روایت معمر بن خلاد است.

ایشان می‌فرمایند این روایت هم علیه حرف آقای خوئی در اشتراک آفاق است که شرط نیست و هم علیه تلسکوپ است. می‌فرمایند معمر منجم نبوده و دستگاه هم نبوده که بتواند تشخیص دهد، لذا حضرت در اینجا می‌فرمایند نباید در اینجا معامله یوم الشک بنمائی. یعنی حالت عادی میزان است. تو که در هوای صاف با چشم عادی نتوانستی ببینی، کافی است. دیگر یوم الشک چه معنایی دارد؟! بعد در ادامه می‌فرمایند:

5:24

> **اين رواية هم نسبت به مسأله ديده شدن در جايي از نيم كره دليل مخالف است و هم در مورد ديده شدن با وسيله؛ كه اگر ديدن با وسيله هم كافي بود, خوب احتمال ديده شدن با وسيله كه وجود داشته است, پس چرا حضرت مي‌فرمايد كه در هواي صاف نبايد حكم يوم الشك را بار بكني, پس معلوم مي‌شود كه ميزان براي اول ماه عبارت از ديده شدن با چشم عادي است و چشم مسلح معيار نيست[4]**

آقا فرمودند ایشان در ذیل روایت می‌فرمایند که شبهه موضوعیه است. نه، ببینید اینجا بحث تمام شد. روایت را فرمودند و فرمودند که این روایت هم علیه اتحاد آفاق است و هم علیه تلسکوپ است. بعد شروع می‌کنند فصل جدیدی از مطلب را بیان می‌کنند. می‌فرمایند:

> **و اينكه ما حكم بكنيم كه از زمان پيامبر (ص) تا به حال و در سنين متوالي برخي روزها با توجه به امكان رؤيت هلال با سلاح, به علم**

> **اجمالی باطل بودهاند و بچهها باید بسیاری از روزههای پدرها را قضاء کنند چرا که علم اجمالی هست که به جهت دیده نشدن با چشم حکم شعبان را جاری کردهاند. از لوازم حرف آقای خویی است.[5]**

روزه را خوردند و باطل بوده لذا باید اعاده کنیم. **«از لوازم حرف آقای خویی است»؛** از لوازم حرف آقای خوئی این است که از اول تا به حال باید این کار را بکنند. در اینجا دفع دخل میکنند. کسی میگوید اتحاد افق شبهه حکمیه است. وقتی در شبهه حکمیه اشتباه کردند، قول به اجزاء میآید. در ادله ظاهریه قول به اجزاء است. اگر شبهه حکمیه باشد مجزی است. پس نباید قضا کند. چون شبهه حکمیه بوده از باب اجزاء میگوییم که نباید قضا کند. ایشان میگویند که شبهه حکمیه نیست. دفع دخل میکنند. میفرمایند: **«و انكشاف بطلان روزه»؛** منظورشان افطار روزه است **«هم از انكشاف خلاف در موضوعات است كه آقايان حكم ميكنند كه اگر كسي روزه را نگيرد و بعد بفهمد كه ماه رمضان بوده است بايد قضاء نمايد»؛** پس استدلال ام تام است. مانحن فیه شبهه موضوعیه است. بچهها هم اگر بعداً بفهمند که پدرها نگرفته اند باید قضا کنند. نمیشود که بگوییم شبهه حکمیه است و حکم به اجزا بکنیم. **«نه اينكه از شبهات حكميه باشد كه از باب اختلاف در اجتهاد حكم به اجزاء در آنها بنمايد. پس ما در اين شكي نداريم كه معيار ديدن با چشم عادي و غير مسلح است و گذشتگان هم بر همين بودهاند و خيلي از آقايان هم همين را ميگويند»؛** پس این شبهه حکمیه و موضوعیه که فرمودند ربطی به روایت ندارد. ربط به استدلال اخیرشان دارد. این کتاب الصوم حاج آقای زنجانی بود. جلد چهارم، صفحه دویست و دوازده.

---

[1] http://mabahes.bahjat.ir/10932/

[2] سیدموسی شبیری زنجانی، کتاب الصوم، ج۴، ص۲۱۶.

[3] تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان) ؛ ج ۴ ؛ ص۱۶۶.

[4] سیدموسی شبیری زنجانی، کتاب الصوم، ج۴، ص۲۱۶.

[5] همان.

بازبینی #1
ایجاد شده 5 ژوئیه 2026 19:38:05 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 ژوئیه 2026 19:44:47 توسط ... .